

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مفهوم فلسفه و دیدگاه مراجع عظام تقلید در رابطه با تعلیم و تعلّم فلسفه بیان گردید و نیز روایاتی از ائمه علیهم السلام در نقد فلسفه مطرح شد .
در این شماره موضوع حکمت متعالیه و مباحث وابسته به آن را مورد بررسی قرار می دهیم .

تو فلسفه را ز جهل حکمت خوانی غافل شده‌ای ، حکمت حق قرآن است^۱

حکمت متعالیه

س . اشتغال به درسی تحت عنوان حکمت متعالیه رواج پیدا کرده است ولی از این طرف برخی حکمت متعالیه را نفی می نمایند .

لطفاً بفرمایید منظور از حکمت متعالیه چیست ؟

آیت الله مکارم شیرازی :

منظور از حکمت متعالیه ، فلسفه اسلامی است و مانند علوم دیگر مسائل قابل نقد دارد ، هرگاه نزد شخص آگاه از مسائل اسلامی بخوانند مشکلی ندارد^۲.

^۱ . علامه مولی محمد طاهر قمی ، سفینه النجاة باب ۱۲ ص ۱۳۷ .

^۲ . استفتاء خصوصی کتبی ۱۳۸۴/۵/۱۹ .



آیت الله سیستانی :

مقصود از حکمت متعالیه فلسفه‌ای است که ملاصدرا آن را ابداع کرد و به وسیله آن توانست مشکلات و شبهات فلسفی را به گونه‌ای حل کند که با نظریات و آراء و مسلّمات دین اسلام منافات نداشته باشد ، البته نمی‌توان گفت در این رابطه موفق شده باشد ، لذا در صورتی که استاد توانا و ملتزم به عقاید اسلامی آن را درس بدهد جایز است آن را به مقداری که تزییع عمر نشود فرا گرفت ، ولی اگر چنین معلّمی پیدا نشود جایز نیست^۳.

ملاصدرا

محمد بن ابراهیم شیرازی ، مؤلف کتاب أسفار مشهور به ملاصدرا ، متولد شیراز و متوفی سال ۱۰۵۰ ق در بصره می‌باشد .

حکمت متعالیه ملاصدرا

➔ ملاصدرا هر چه دارد از محیی الدین دارد و در کنار سفره او نشسته است^۴ .
➔ حکمت متعالیه ملاصدرا یک مکتب کاملاً التقاطی^۵ است و در واقع امتزاجی از نحلّه‌ها و مشرب‌های گوناگون است که بدان صبغه اسلامی زده است^۶ .

۳ . استفتاء خصوصی کتبی هیئت استفتاء قم ش ۷۴۱۴ .

۴ . حسن حسن زاده آملی به نقل از سید علی قاضی طباطبایی ، دومین یادنامه طباطبایی ص ۴۱ .

۵ . هر جایی .

۶ . محقق محترم آقای داوود الهامی ، موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ ص ۳۱۷ .

اساس حکمت متعالیه

➔ اساس حکمت متعالیه او (ملاصدرا) فتوحات و فصوص است و اسفار عظیم او شرحی محققانه بر آنهاست.^۷

➔ ملاصدرا اساس فلسفه خود را بر همین پایه‌ای که ذکر شد نهاده است لذا فلسفه او جامع بین طریقه مشاء و اشراق و رواق و مسلک صوفیه و عرفای اسلامی است.^۸

➔ اکثر مواردی را که صدرالمآلهین از شیخ اکبر و دیگر مشایخ عرفان نقل قول می‌کند که اساس حکمت متعالیه اوست مأخذ و مواضع آنها را از کتب فن چون تمهید القواعد^۹ و شرح فصوص قیصری و مصباح الانس^{۱۰} و فتوحات مکیه ، یافتیم.^{۱۱}

➔ ملاصدرا (در نتیجه فرو رفتن در مطالب فلسفی و عرفانی چنان بود که) توانست از خود یک صوفی عارف و فیلسوف الهی بسازد.^{۱۲}

➔ او (ملاصدرا) وارث اخیر فلسفه یونانی و اسلامی است.^{۱۳}

صوفی‌گری فلسفی

➔ آن کسی که عرفان را به صورت یک علم درآورد و به اصطلاح مُتفلسف کرد و

^۷ . حسن حسن زاده آملی ، دومین یادنامه طباطبایی ص ۱۶ .

^۸ . جلال آشتیانی ، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه ، مقدمه ص ۱۳ .

^۹ . مؤلف آن صائن الدین علی ترکه اصفهانی است که در عرفان نظری ابن عربی ید طولاً داشته است .

^{۱۰} . مفتاح الانس تألیف محمد بن حمزه فناری رومی از علمای کشور عثمانی ، شرح کتاب مفتاح الغیب صدرالدین قونوی است .

^{۱۱} . حسن حسن زاده آملی ، دومین یادنامه طباطبایی ص ۲۲ .

^{۱۲} . شیخ محمد رضا مظفر ، اسفار ج ۱ مقدمه ص ۷ .

^{۱۳} . شیخ محمد رضا مظفر ، اسفار ج ۱ مقدمه ص ۶ .



به صورت یک مکتب درآورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشت و فلاسفه را در واقع تحقیر و کوچک کرد و روی فلسفه اثر گذاشت و فلاسفه‌ای که بعد از او آمدند چاره‌ای نداشتند جز این که به نظرهای او با اعتنا باشند بدون شک محی‌الدین عربی است.^{۱۴}

مروج افکار صوفیه

علامه حاج میرزا حسین نوری رحمته الله ، ملاصدرا را اینگونه معرفی می‌نماید :
... مشهور به ملاصدرا ، او محقق مطالب فلسفی و در بالاترین حد مروج افکار صوفیه می‌باشد .

از وی کتاب‌هایی منتشر شده که معتقدین و پیروان نظریات و روش او ملازم آن گردیده‌اند ، و البته در این کتاب‌ها ، از فقها و حاملین دین ، بسیار عیب جویی نموده و آنان را جاهل و از گروه علما خارج دانسته است .

و درباره ابن عربی صاحب فتوحات برعکس عمل نموده ، در کلماتش به گونه‌ای او را تعریف و توصیف کرده که فقط سزاوار راسخین از علمای بی‌مانند می‌باشد .

با این که البته در بین علمای عامّه (سنی‌ها) و ناصبی‌های آنها از لحاظ عداوت و دشمنی شدیدتر از ابن عربی^{۱۵} نیست ...^{۱۶}

^{۱۴} . استاد مطهری ، عرفان حافظ ص ۱۴ .

^{۱۵} . در مذمت ابن عربی و انحرافات او مطالب بسیار است ، به پیام دین با عناوین حضرت ابوظالب ، احکام قرآن و اشک

مذهب ملاصدرا

☞ در مذهب ملاصدرا خلاف است پس جمعی از فقهاء او را کافر می‌دانند و چند مسأله بر خلاف ظواهر حقه شرعیه سخن رانده . . . الحاصل ظواهر کلماتش خوب نیست . . . ۱۷ . ۱۸

ملاصدرا دارای انحرافات بسیاری است ، که به برخی از آن اشاره می‌شود :

۱ . ترویج همجنس بازی^{۱۹} .

۲ . افسانه ایمان فرعون^{۲۰} .

مراجعه بفرمایید .

^{۱۶} . محمد بن ابراهیم الشیرازی الشهیر بملّا صدرا ، محقق مطالب الحکمة و مروج دعاوی الصوفیة بما لامزید علیه ، صاحب التصانیف الشایعة التي عکف علیها من صدّقه فی آرائه و أقواله و نسج علی منواله ، و قد أكثر فیها من الطعن علی الفقهاء و حملة الدین و تجهیلهم و خروجهم من زمرة العلماء ، و عکس الأمر فی حال ابن العربی صاحب الفتوحات فمدحه و وصفه فی کلماته بأوصاف لاتنبغی إلا للأوحدیّ من العلماء الراسخین ، مع أنه لم یر فی علماء العامّة و نوابیهم أشدّ نصباً منه . . .

مستدرک الوسائل ، الخاتمة ج ۲ فائده ۲۶ ص ۲۳۹ ، سفینة البحار ج ۲ ص ۳۵۸ باب الحاء بعده المیم

^{۱۷} . میرزای تنکابنی ، قصص العلماء ، در حالات ملامحسن و ملاصدرا ص ۳۳۱ و ۳۳۳ .

^{۱۸} . ☞ سید نعمت الله جزایری موسوی گفته که من چون وارد شیراز شدم به خدمت پسر ملاصدرا میرزا ابراهیم رسیدم . . .

او جامع علوم عقلیه و نقلیه بود و اعتقادش در اصول دین بهتر از اعتقاد پدرش بود و همیشه در مقام مدح خود می‌گفت که

اعتقاد من مثل اعتقاد عوام است . قصص العلماء در حالات ملامحسن فیض و ملاصدرا ص ۳۲۸

☞ ملا ابراهیم بن صدرا تفسیری نوشته و آن را به عروة الوثقی نامیده و بعضی گفته‌اند که مصداق یخرج الحیّ من المیت

می‌باشد . قصص العلماء در حالات ملامحسن فیض و ملاصدرا ص ۳۲۹

^{۱۹} . الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة ج ۷ سفر ۳ موقف ۸ فصل ۱۹ فی ذکر عشق الطرفاء و الفتیان للأوجه الحسان ص

۱۵۶ تا ۱۶۲ .

☞ متن عبارات ملاصدرا در تأیید همجنس‌گرایی در صفحات آخر همین مجموعه ذکر می‌گردد .



۲. انقطاع عذاب و انکار خلود^{۲۱} .

۴. وحدت وجود^{۲۳} .

^{۲۰} . تفسیر القرآن الکریم ج ۳ ص ۳۶۲ تا ۳۶۴ ، ایمان فرعون مقبول ، أم لا ؟

^{۲۱} . قصص العلماء ، در حالات ملامحسن و ملاصدرا ص ۳۳۱ :

مسأله دیگر که محل لغزش آخوند ملاصدراست آن است که در شرح اصول کافی و در تفسیر سوره بقره و اسفار قائل به انقطاع عذاب شده و خلود در جهنم را منکر است و ضرورت اسلام بر خلاف آن است .

^{۲۲} . ➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۸ ص ۳۱۱ :

و مما استدلل به صاحب الفتوحات المکیة علی انقطاع العذاب للمخلدین فی النار قوله تعالی ... و اولئك اصحاب النار هم فیها خالدون و ... و الأولى فی الإستدلال علی هذا المطلب أن یستدل بقوله تعالی : و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس ...

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۸ ص ۳۱۶ :

و آخر من بقى هم الذین ما عملوا خیراً قط إلا من جهة الإیمان ... کمن یستحلی للجرب من یحکّه .

➤ العرشية ص ۶۴ تا ۶۶ :

و عندنا أيضاً اصول دالة علی أن الجحیم و آلامها و شرورها دائمة بأهلها كما أن الجنة و نعيمها و خیراتها دائمة بأهلها و إن كان الدوام فی كلاهما علی معنی آخر ! ... و صاحب الفتوحات المکیة أمعن فی هذا الباب و بالغ فی ذلك الكتاب و قال فی الفصوص و أما أهل النار فمآلهم إلی النعیم إذ لا بد ... و أما أنا و الذی لاح لی ... أن دار الجحیم لیست بدار نعییم و إنما هی موضع الألم و المحن و فیها العذاب الدائم ... و لیس هناك موضع راحة ...

^{۲۳} . قصص العلماء ، در حالات ملامحسن و ملاصدرا ص ۳۳۱ : چند مسئله برخلاف ظواهر حقه شرعیه سخن رانده ، یکی

وحدت وجود و ...

☞ شیخ محمد رضا مظفر ، اسفار ج ۱ مقدمه ص ۸ : او در مرحله اخیر عرفانی خود ، قائل به وحدت وجود می باشد و رساله طرح کونین را در مسأله یاد شده تألیف نموده است .

^{۲۴} . ➤ أسفار سفر ۳ ج ۶ موقف ۳ فصل ۱۲ ص ۲۲۹ و ۲۳۰ :

فنعول الواجب تعالی هو المبدأ الفیاض لجميع الحقائق و الماهیات ، فیجب أن یكون ذاته تعالی مع بساطته و أحدیته کل

الأشیاء ... أن البسیط الحقیقی من الوجود یجب أن یكون کلّ الأشياء .



۵. تعریف از زندیق لعین ابن عربی . ۲۵ ۲۶

➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۳۴ ص ۳۰۱ :

إعلم أن واجب الوجود بسيط الحقيقة غاية البساطة و كل بسيط الحقيقة كذلك فهو كل الأشياء فواجب الوجود كل الأشياء لا يخرج عنه شيء من الأشياء .

➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۵ ص ۲۳۷ تا ۲۳۹ :

فكما وفقني الله تعالى بفضلته و رحمته الإطلاع على الهلاك السرمدى و السبطلان الأزلئ للماهيات الإمكانية و الأعيان الجوازية فكذلك هدانى ربي بالبرهان النير العرشى إلى صراط مستقيم من كون الموجود و الوجود منحصرأ فى حقيقة واحدة شخصية لا شريك له فى الموجودية الحقيقية و لا ثانئ له فى العين و ليس فى دار الوجود غيره ديار و كلما يتراءى فى عالم الوجود إنه غير الواجب المعبود فإنما هو من ظهورات ذاته و تجليات صفاته التى فى الحقيقة عين ذاته كما صرح به لسان بعض العرفاء بقوله : فالمقول عليه سوى الله أو غيره أو المسمى بالعالم هو بالنسبة إليه تعالى كالظل للشخص فهو ظل الله . . . فكل ما تدركه فهو وجود الحق فى أعيان الممكنات . . . و إذا كان الأمر على ما ذكرته لك فالعالم متوهم ما له وجود حقيقئ .

۲۵ . از كسانى كه سخت در مقابل محى الدين خاضع و فروتن و كوچك است ، صدر المتألهين است .

استاد مطهرى ، عرفان حافظ ص ۱۹

➤ اصلاً بعضى ها مثلاً ملاصدرا در مقابل احدى به اندازه محى الدين خضوع ندارند يعنى امثال بو على سينا را در مقابل محى الدين به هيچ مى شمارد يا . . .

استاد مطهرى ، شرح مبسوط منظومه ج ۱ تاريخچه مسأله وحدت وجود ، پاورقى وحدت و كثرت وجود ص ۲۳۸ و ۲۳۹

➤ ملاصدرا هر چه دارد از محيى الدين دارد و در کنار سفره او نشسته است .

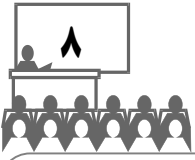
حسن حسن زاده آملئ به نقل از سيد على قاضئ طباطبايئ ، دومين يادنامه طباطبايئ ص ۴۱

➤ ميرزا حسين نورى : محمد بن ابراهيم الشيرازئ الشهير بملاصدرا . . . صاحب التصانيف الشائعة . . . و قد أكثر فيها من الطعن على الفقهاء و حملة الدين و تجهيلهم و خروجهم من زمرة العلماء و عكس الأمر فى حال ابن العربئ صاحب الفتوحات فمدحه و وصفه فى كلماته بأوصاف لا تنبغئ إلا للأوحدى من العلماء الراسخين . . .

مستدرک الوسائل ، الخاتمة ج ۲ فائده ۲۶ ص ۲۳۹ ، سفينة البحار ج ۲ ص ۳۵۸ باب الحاء بعده الميم

۲۶ . ➤ أسفار سفر ۱ ج ۱ مرحله ۱ منهج ۳ فصل ۱ ص ۲۶۴ : و يؤيد ذلك ما قاله الشيخ الجليل محيى الدين العربئ الأندلسئ

➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۸ ص ۲۶۸ : و قد سماه الشيخ العارف الصمدانى الربانئ محيى الدين الأعرابئ



۶. تعریف از محمد غزالی و أبو حامد غزالی^{۲۷}.

۷. معاد مثالی^{۲۸ ۲۹}.

الحاتمی ...

➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۹ ص ۲۷۲ : فکذلک عند کثیر من المشایخ الموحدين کالشیخین محیی الدین الأعرابی

... و

➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۳۳ ص ۲۹۷ : و قد حقق الشيخ الجليل محیی الدین الأعرابی هذا المطلب تحقيقاً بالغاً ...

➤ أسفار سفر ۲ ج ۵ فن ۵ فصل ۵ : فقد قال المحقق المكاشف محیی الدین بن عربی ...

➤ أسفار سفر ۳ ج ۶ موقف ۳ فصل ۱۲ ص ۲۴۳ : قال العارف المحقق محیی الدین بن عربی ...

➤ أسفار سفر ۳ ج ۷ موقف ۷ فصل ۱۴ ص ۴۷ و ۵۰ : قد ذكر الشيخ المحقق محیی الدین بن عربی ... و إنما إقتصرنا على

نقل كلامه في هذا الباب لأنه كلام محقق عند ذوی البصيرة و لم أتعرض لشرح معانيه و حل رموزه و تطبيق مقاصده على

أسلوب البرهان ...

➤ أسفار سفر ۳ ج ۷ موقف ۸ فصل ۲۰ ص ۱۶۴ : قال الشيخ الكامل المحقق محیی الدین بن عربی في الفتوحات المكية ...

➤ أسفار سفر ۴ ج ۸ باب ۳ فصل ۱۱ ص ۱۲۴ : و قال الشيخ العارف صاحب الفتوحات ...

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۸ فصل ۳ ص ۴۱ : هو ما قاله قدوة المكاشفين محیی الدین بن عربی ...

خداوند او را با ابن عربی محشور نماید . آمین

۲۷. ➤ أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۳۰ ص ۲۷۹ : قال الشيخ العالم محمد الغزالی ...

➤ أسفار سفر ۳ ج ۷ موقف ۸ فصل ۲۰ ص ۱۶۴ : كما قال الإمام أبو حامد الغزالی ...

۲۸. اگر چه ملاصدرا در شواهد الربوبية گفته که حق آن است که معاد در جسم عنصری است لیکن بعد از آن که این مطلب را

در مقام تشقیق و تحقیق برآمده به حسب ظاهر عبارتش از بدن عنصری چیزی برگذار نکرده ...

میرزای تنکابنی ، قصص العلماء ، در حالات ملامحسن و ملاصدرا ص ۳۳۲

۲۹. ➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۸ فصل ۳ ص ۳۰ : فإن قلت النصوص القرآنية دالة على ... و تمام کل شیء بصورته لا بمادته .

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۸ فصل ۳ ص ۳۵ : والجواب إن التجرد في كلام المشكك ... كما سيبيجيء بيانه في باب المعاد .

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۰ فصل ۷ ص ۱۲۸ : فإنها إذا فارقت هذا البدن فإن كانت خيرة فلامحالة ... غير مفتقر إلى

موضوع و مادة كما أشرنا إليه .

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۰ فصل ۷ ص ۱۳۲ : و أنزل من هذه المرتبة من الإعتقاد في باب المعاد و حشر الأجساد ... و



۸. انکار معاد حقیقی^{۳۰}.

۹. ترویج صوفیه^{۳۱}.

۱۰. اعتقاد به جبر^{۳۳}.

البدن التراپی الکتیف الظلمانی .

➤ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۳ ص ۱۷۴ : الحق بما مر من الاصول أن لا عبرة بخصوصية البدن و إن تشخصه ... لا أن النفس يحدث من المادة بحسب هيئاتها و استعداداتها كما في الدنيا .

^{۳۰} . أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۷ ص ۲۹۸ : و جميع ما يراه الإنسان يوم القيامة يراه بعين الخيال ...

^{۳۱} . میرزا حسین نوری : محمد بن إبراهيم الشيرازي الشهير بملاصدرا ، ... و مروج دعاوی الصوفية بما لا مزيد عليه ...

مستدرک الوسائل ، الخاتمة ج ۲ فائده ۲۶ ص ۲۳۹ ، سفينة البحار ج ۲ الحاء بعده الميم ص ۳۵۸

➤ ملاصدرا اساس فلسفه خود را بر همین پایه ای که ذکر شد نهاده است لذا فلسفه او جامع بین طریقه مشاء و اشراق و

رواق و مسلک صوفیه و عرفای اسلامی است . جلال آشتیانی ، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکية ، مقدمه ص ۱۳

➤ ملاصدرا (در نتیجه فرو رفتن در مطالب فلسفی و عرفانی چنان بود که) توانست از خود یک صوفی عارف و فیلسوف

الهی بسازد . شیخ محمد رضا مظفر ، اسفار ج ۱ مقدمه ص ۷

➤ داود الهامی : ملاصدرا خود از اقوال غزالی و ابن عربی و مکتب قونوی و قیصری تأثیر پذیرفته است و نسبت به قدمای

صوفیه هم چندان انکاری نشان نمی دهد و لذا بعضی از علمای متشروع او را مروج دعاوی صوفیان می دانسته اند ...

همین نکته هم که وی کتاب عظیم فلسفی خود الأسفار الأربعة را بر مبنای سفرهای چهارگانه سالکان طریقت قرار می دهد ، و

مجموع معارف فلسفی را بر همین اساس تعلیم و تقریر می کند ، تأثیر شدید او را از معارف صوفیه نشان می دهد .

در تحقیق مطالب مربوط به وحدت وجود و نظایر این مباحث از عقاید صوفیه و از جمله اقوال ابن عربی و قونوی دفاع

می کند و اعتراضاتی را که در این مسائل بر اقوال آنها شده است ، سطحی و لفظی یا ناشی از عدم غور و تعمق تلقی

می نماید . موضع تشیع در برابر تصوف ص ۳۰۸

^{۳۲} . أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۹ ص ۲۷۶ :

قال الشيخ عبدالله الأنصاري في كتاب منازل السائرين ...

و تعریف از سران صوفیه همچون ابن عربی ، صدرالدین قونوی و ملای رومی که در فهرست آمده است .

^{۳۳} . أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۸ ص ۳۱۲ :

۱۱ . نفی فرشته و شیطان حقیقی^{۳۴} .

۱۲ . تجلیل از صدرالدين قونوی^{۳۵} .

۱۳ . نفی صراط واقعی^{۳۶} .

۱۴ . اعتقاد به بهشت خیالی نه واقعی^{۳۷ ۳۸} .

و لك أن تقول ... و أن كل شيء جار بقضائه و قدره و أن الخلق مجبورون في اختيارهم فكيف تسرمد العذاب عليهم ...

^{۳۴} . أسفار سفر ۳ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۰ ص ۲۵۵ و ۲۵۶ :

و هذه الهيئة الراسخة للنفس المتمثلة لها يوم القيامة هي التي تسمى في عرف الحكمة بالملكة وفي لسان الشريعة بالملك و الشيطان في جانبى الخير و الشر و المسمى أمر واحد في الحقيقة ...

^{۳۵} . أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۸ ص ۲۶۸ و ۲۶۹ :

قال الشيخ المحقق صدر الدين القونوى ... و ذكر الشيخ العارف صدر الدين القونوى ...

• أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۹ ص ۲۷۲ :

فكذلك عند كثير من المشايخ الموحدين كالشيخين محيي الدين الأعرابى و صدرالدين القونوى

^{۳۶} . أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۰ ص ۲۵۳ :

أقول و من العجب كون الصراط و المار عليه و المسافة و المتحرك فيه شيئاً واحداً و هذا هكذا فى طريق الآخرة التى تسلكها النفس الإنسانية فإن المسافر إلى الله أعنى النفس تسافر فى ذاتها و تقطع المنازل و المقامات الواقعة فى ذاتها بذاتها ، فى كل خطوة تضع قدمها على رأسها بل رأسها على قدمها و هذا أمر عجيب و لكن ليس بعجيب عند التحقيق و العرفان .

^{۳۷} . **میرزای تنكابنی** : (ملاصدرا) جنت را بر چند قسم کرده اول آن را حور و قصور و انهار و اشجار دانسته لیکن گفته

که آن‌ها جنت عوام است که جز خیال حور و قصور و اشجار و اثمار چیز دیگری ندانسته‌اند لهذا متخیل ایشان به وقوع پیوست و باقی اجسام را به نحوی دانسته که از شعر ملای رومی در مثنوی یاد می‌دهد که گفته :

هشت جنت چیست اعمال خودت هفت دوزخ چیست افعال خودت .

قصص العلماء در حالات ملامحسن فیض و ملاصدرا ص ۳۳۲ و ۳۳۳

^{۳۸} . أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۷ ص ۳۰۲ :

فتحقق و تبین من جميع ما ذكرناه و نقلناه إن الجنة الجسمانية عبارة عن الصور الإدراكية القائمة بالنفس الخيالية مما تشتهي

۱۵ . تجلیل از مولوی^{۳۹} .

۱۶ . کشف را برتر از برهان می داند^{۴۰} .

و . . .

ترویج همجنس بازی

از انحرافات ملاصدرا ، اعتقاد به همجنس گرایی است ، که طرفداران و دوستدارانش وقتی به این ویژگی او می رسند ، از آن به آسانی عبور کرده ، شتر دیدی ندیدی . و شاید هم با ملاصدرا در این مطلب هم عقیده باشند ، والله يعلم . حال عبارات ملاصدرا در مدح همجنس گرایی ، ذکر می گردد ، مختارید ، شما هم می توانید مانند علاقمندان به ملاصدرا ، به ضرب المثل شتر دیدی ندیدی عمل کنید و بی تفاوت عبور نمایید .

النفس و تستلذها و لا مادة و لا مظهر لها إلا النفس .

۰ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۴ ص ۲۸۱ :

و بالجملة مبادئ الأکوان فی عالم الجنان إنما هی الامور الإدراکیة و الجهات الفاعلیة و لا دخل للمواد و الأسباب القابلیة لأن وجود الأشياء هناك وجود صوری من غیر مادة و لا حركة و لا إنفعال و تجدد و انتقال .

۰ أسفار سفر ۴ ج ۹ باب ۱۱ فصل ۲۴ ص ۲۸۹ :

و بالجملة قد علمت أن الجنة و النار فی نشأة أخرى و عالم آخر موجوداته أمور صوریة بلا مادة و انفعال و حركة .

۳۹ . أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۹ ص ۲۷۲ :

و قال العارف القیومی مولانا جلال الدین الرومی فی مثنویه : ما عدمهاییم هستی ها نما تو وجود مطلقى هستی ما

۴۰ . أسفار سفر ۱ ج ۲ مرحله ۶ فصل ۲۶ ص ۲۵۷ :

إیاک و أن تظن بفطانتک البتراء أن مقاصد هؤلاء القوم من أكابر العرفاء . . . فمرتبة مکاشفاتهم فوق مرتبة البراهین فی إفادة

الیقین . . . فالبرهان الحقیقی لا یخالف الشهود الکشفی .

متن عبارت ملاصدرا

الفصل ١٩ فى ذكر عشق الظرفاء و الفتيان للأوجه الحسان^{٤١}

اعلم أنه اختلف آراء الحكماء فى هذا العشق و ماهيته و أنه حسن أو قبيح محمود أو مذموم .

فمنهم من ذمه و ذكر أنه رذيلة و ذكر مساويه و قال : إنه من فعل البطّالين و المعظّلين .

و منهم من قال إنه فضيلة نفسانية و مدحه و ذكر محاسن أهله و شرف غايته .

و منهم من لم يقف على ماهيته و علله و أسباب معانيه و غايته .

و منهم من زعم أنه مرض نفسانى .

و منهم من قال إنه جنون إلهى .

و الذى يدلّ عليه النظر الدقيق و المنهج الأنيق و ملاحظة الأمور عن أسبابها الكلية و

مبادئها العالية و غاياتها الحكمية أن هذا العشق أعنى الالتذاذ الشديد بحسن الصورة

الجميلة و المحبة المفرطة لمن وجد فيه الشمائل اللطيفة و تناسب الأعضاء و جودة

التركيب لما كان موجوداً على نحو وجود الأمور الطبيعية فى نفوس أكثر الأمم من غير

تكلف و تصنع فهو لامحالة من جملة الأوضاع الإلهية التى يترتب عليها المصالح و

الحكم . فلا بد أن يكون مستحسناً محموداً سيما و قد وقع من مباد فاضلة لأجل غايات

٤١ . در برخی چاپها فصل ٢٠ .

شريفة .

أما المبادئ فلأنا نجد أكثر نفوس الأمم التي لها تعليم العلوم و الصنائع اللطيفة و الآداب و الرياضيات مثل أهل الفارس و أهل العراق و أهل الشام و الروم و كل قوم فيهم العلوم الدقيقة و الصنائع اللطيفة و الآداب الحسنة غير خالية عن هذا العشق اللطيف الذي منشؤه استحسان شمائل المحبوب و نحن لم نجد أحداً ممن له قلب لطيف و طبع دقيق و ذهن صاف و نفس رحيمة خالياً عن هذه المحبة في أوقات عمره .

و لكن وجدنا سائر النفوس الغليظة و القلوب القاسية و الطبائع الجافية من الأكراد و الأعراب و الترك و الزنج خالية عن هذا النوع من المحبة و إنما اقتصر أكثرهم على محبة الرجال للنساء و محبة النساء للرجال طلباً للنكاح و السفاد كما في طباع سائر الحيوانات المرتكزة فيها حب الازدواج و السفاد و الغرض منها في الطبيعة إبقاء النسل و حفظ الصور في هيولياتها بالجنس و النوع إذ كانت الأشخاص دائمة السيلان و الاستحالة .

و أما الغاية في هذا العشق الموجود في الظرفاء و ذوى لطافة الطبع فلما ترتب عليه من تأديب الغلمان و تربية الصبيان و تهذيبهم و تعليمهم العلوم الجزئية كالتحوي و اللغة و البيان و الهندسة و غيرها و الصنائع الدقيقة و الآداب الحميدة و الأشعار اللطيفة الموزونة و النعمات الطيبة و تعليمهم القصص و الأخبار و الحكايات الغريبة و الأحاديث المروية إلى غير ذلك من الكمالات النفسانية .



فإن الأطفال و الصبيان إذا استغنوا عن تربية الآباء و الأمهات فهم بعد محتاجون إلى تعليم الأستاذين و المعلمين و حسن توجههم و التفاتهم إليهم بنظر الإشفاق و التعطف فمن أجل ذلك **أوجدت العناية الربانية في نفوس الرجال البالغين رغبة في الصبيان و تعشقا و محبة للغلمان الحسان الوجوه** ليكون ذلك داعياً لهم إلى تأديبهم و تهذيبهم و تكميل نفوسهم الناقصة و تبليغهم إلى الغايات المقصودة في إيجاد نفوسهم و إلا لما خلق الله هذه الرغبة و المحبة في أكثر الظرفاء و العلماء عبثاً و هباء فلا بد في ارتكاز هذا العشق النفساني في النفوس اللطيفة و القلوب الرقيقة غير القاسية و لا الجافية من فائدة حكمية و غاية صحيحة .

و نحن نشاهد ترتب هذه الغايات التي ذكرناها **فلامحالة يكون وجود هذا العشق في الإنسان معدوداً من جملة الفضائل و المحسنات لا من جملة الرذائل و السيئات .**

و لعمري ! إن هذا العشق يترك النفس فارغة عن جميع الهموم الدنياوية إلا هم واحد فمن حيث يجعل الهموم هما واحدا هو الاشتياق إلى رؤية جمال إنساني فيه كثر من آثار جمال الله و جلاله حيث أشار إليه بقوله :

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

و قوله :

ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

سواء كان المراد من الخلق الآخر الصور الظاهرة الكاملة أو النفس الناطقة لأن الظاهر عنوان الباطن و الصورة مثال الحقيقة و البدن بما فيه مطابق للنفس و صفاتها و المجاز



قنطرة الحقيقة .

و لأجل ذلك ، هذا العشق النفساني للشخص الإنساني إذا لم يكن مبدؤه إفراط الشهوة الحيوانية بل استحسان شمائل المعشوق و جودة تركيبه و اعتدال مزاجه و حسن أخلاقه و تناسب حركاته و أفعاله و غنجه و دلالة معدود من جملة الفضائل و هو يرقق القلب و يذكي الذهن و ينبه النفس على إدراك الأمور الشريفة .

و لأجل ذلك أمر المشايخ مرديهم في الابتداء بالعشق^{۴۲} و قيل العشق العفيف أو في سبب في تلطيف النفس و تنوير القلب .

و في الأخبار : إن الله جميل يحب الجمال

و قيل من عشق و عف و كتم و مات مات شهيداً^{۴۳} .

^{۴۲} . آیا شیوخ ملاصدرا ، به او نیز چنین اوامری داشته‌اند ؟ و آیا به اوامرشان عمل نیز کرده‌اند ؟

بعید نیست ، زیرا مرض ابنة در میان این طایفه رواج داشته ، و در کتب مذکور است .

^{۴۳} . از لفظ قيل که ملاصدرا می‌گوید ، این گونه فهمیده می‌شود که حدیث اعتباری ندارد ، ولی آن را نقل می‌کند زیرا مطابق

اعتقاد اوست .

• اما حدیث من عشق ... لکن جمعی کثیر از اعیان سنیان نیز تصریح نموده‌اند که حدیث مذکور ، موضوع و دروغ است . از

آن جمله است ... خیراتیه ج ۱ ص ۱۶۰

• مؤلف کتاب فضايل الصوفيه در ص ۱۷۹ تا ۱۹۶ از کتاب خود می‌فرماید :

ساختگی بودن حدیث من عشق

و علاوه بر آن مستند ایشان را که حدیث من عشق باشد جمعی از اعیان سنیان تصریح نموده‌اند به کذب و وضع آن ...

این است حال حدیث من عشق نزد سنیان . و اما نزد شیعیان پس از طریق ایشان روایت نشده است مطلقاً ، بلکه خلاف آن

روایت شده ...



و تفصیل المقام أن العشق الإنسانی ینقسم إلى حقیقی و مجازی .
و العشق الحقیقی هو محبة الله و صفاته و أفعاله من حیث هی أفعاله .
و المجازی ینقسم إلى نفسانی و إلى حیوانی .
و النفسانی هو الذی ینقسم إلى نفس العاشق المعشوق فی الجوهر و ینقسم إلى
أكثر إعجاب به بشمائل المعشوق لأنها آثار صادرة عن نفسه .
و الحیوانی هو الذی ینقسم إلى شهوة بدنیة و طلب لذة بهیمیة و ینقسم إلى إعجاب
العاشق بظاهر المعشوق و لونه و إشکال أعضائه لأنها أمور بدنیة .
و الأول مما یقتضیه لطافة النفس و صفاتها و الثانی مما یقتضیه النفس الأمانة و ینقسم
فی الأكثر مقارناً للفجور و الحرص علیه و فیه استخدام القوة الحیوانیة للقوة الناطقة
بخلاف الأول فإنه یجعل النفس لينة شیقة ذات وجد و حزن و بكاء و رقة قلب و فکر
كأنها تطلب شیئاً باطنياً مختلفاً عن الحواس فتقطع عن الشواغل الدنیویة و تعرض عما
سوی معشوقها جاعلة جمیع الهموم هما واحداً فلأجل ذلك ینقسم الإقبال على
المعشوق الحقیقی أسهل على صاحبه من غیره فإنه لا یحتاج إلى الانقطاع عن أشياء
کثیرة بل یرغب عن واحد إلى واحد .
لكن الذی ینقسم إلى التنبیه علیه فی هذا المقام أن هذا العشق و إن کان معدوداً من جملة
الفضائل إلا أنه من الفضائل التي یتوسط الموصوف بها بین العقل المفارق المحض و
بین النفس الحیوانیة .

و مثل هذا الفضائل لا تكون محمودة شريفة على الإطلاق في كل وقت و على كل حال من الأحوال و من كل أحد من الناس بل ينبغي استعمال هذه المحبة في أواسط السلوك العرفاني^{۴۴} و في حال ترقيق النفس و تنبيهها عن نوم الغفلة و رقدة الطبيعة و إخراجها عن بحر الشهوات الحيوانية .

و أما عند استكمال النفس بالعلوم الإلهية و صيرورتها عقلاً بالفعل محيطاً بالعلوم الكلية ذا ملكة الاتصال بعالم القدس فلا ينبغي لها عند ذلك الاشتغال بعشق هذه الصور المحسنة اللخمية و الشمائل اللطيفة البشرية لأن مقامها صار أرفع من هذا المقام .

و لهذا قيل المجاز قنطرة الحقيقة^{۴۵} و إذا وقع العبور من القنطرة إلى عالم الحقيقة

^{۴۴} . از این که صدراى فاسد شیرازى ، با این جدّیت مسأله را پیگیرى و براى آن شرایط مى گذراد ، این سؤال به ذهن مى رسد که :

در اواسط سلوک عرفانیس ، در لحاف کدام شیخ سامری صوفی آرمیده است ؟
و شاید افرادی که افکار او را تأیید مى نمایند نیز به همین مسأله مبتلا شده باشند .

شیطان پرستی جز این است ؟

^{۴۵} . مستند این گفته ، نه قرآن است و نه احادیث معتبر شیعیان ، بلکه از مزخرفاتی است که خارج نمى شود مگر از فاضلاب دهان شیطان پرستان ، پیروان فلاسفه زنادقه و صوفیان .

علامه میرزا حبیب الله خویى رحمته الله علیه مى فرماید :

... و هم غافلون من أن العشق اسم مرض من الامراض الدماغية ، و يقولون : إن الاشتغال بغير الحق قصور فى معرفته تعالى

و مع هذا الحال و تلك الدعوى يتعشقون أبناء الناس و بناتهم و يقولون : إن المجاز قنطرة الحقيقة

و أكثرهم من غاية عدم المبالاة فى الدين و الخوف من رب العالمين يتعمدون الكذب على رسول الله صلی الله علیه و آله و یأفکون

و يقولون : إن ذلك حديث مأثور عن النبي صلی الله علیه و آله . نعوذ بالله من ذلك . و لأكثرهم مبالغة عظيمة فى تكلف العشق بالمرء

فالرجوع إلى ما وقع العبور منه تارة أخرى يكون قبيحاً معدوداً من الرذائل .

و لا يبعد أن يكون اختلاف الأوائل في مدح العشق و ذمه من هذا السبب الذي ذكرناه أو من جهة أنه يشتهب العشق العفيف النفساني الذي منشؤه لطافة النفس و استحسانها لتناسب الأعضاء و اعتدال المزاج و حسن الأشكال و جودة التركيب بالشهوة البهيمية التي تنشأها أفراد القوة الشهوانية .

و أما الذين ذهبوا إلى أن هذا العشق من فعل البطالين الفارغى الهمم فلأنهم لا خبرة لهم بالأمور الخفية و الأسرار اللطيفة و لا يعرفون من الأمور إلا ما تجلى للحواس و ظهر للمشاعر الظاهرة و لم يعلموا أن الله تعالى لا يخلق شيئاً في جبلة النفوس إلا لحكمة جليلة و غاية عظيمة .

و أما الذين قالوا إنه مرض نفساني أو قالوا إنه جنون إلهي فإنما قالوا ذلك من أجل أنهم رأوا ما يعرض للعشاق من سهر الليل و نحول البدن و ذبول الجسد و تواتر النبض و غور العيون و الأنفاس الصعداء مثل ما يعرض للمرضى فظنوا أن مبدأه فساد المزاج و استيلاء المرة السوداء و ليس كذلك بل الأمر بالعكس فإن تلك الحالات ابتدأت من النفس أولاً ثم أثرت في البدن .

فإن من كان دائم الفكر و التأمل في أمر باطني كثير الاهتمام و الاستغراق فيه انصرفت القوى البدنية إلى جانب الدماغ و ينبعث من كثرة الحركات الدماغية حرارة شديدة

الحسان و ذوات الحسن من النسوان زعماً منهم أن ذلك عشق مجازي و العشق المجازي موصل إلى الحقيقة التي هو حبّ



تتحرق الأخلاط الرطبة و تفنى الكيموسات الصالحة فيستولى اليبس و الجفاف على الأعضاء و يستحيل الدم إلى السوداء و ربما يتولد منه المايلخوليا .

و كذا الذين زعموا أنه جنون إلهى فإنما قالوا من أجل أنهم لم يجدوا دواء يعالجون و لا شربة يسقونها فيبرءون مما هم فيه من المحنة و البلوى إلا الدعاء لله بالصلاة و الصدقة و الرقى من الرهبانيين و الكهنة .

و هكذا كان دأب الحكماء و الأطباء اليونانيين فكانوا إذا أعياهم مداواة مريض أو معالجة عليل أو يئسوا منه حملوه إلى هيكل عبادتهم و أمروا بالصلاة و الصدقة و قربوا قرباناً و سألوا أهل دعائهم و أحبارهم و رهبانهم أن يدعوا الله بالشفاء فإذا برئ المريض سموا ذلك طباً إلهياً و المرض جنوناً إلهياً .

و منهم من قال إن العشق هواء غالب فى النفس نحو طبع مشاكل فى الجسد أو نحو صورة مماثلة فى الجنس .

و منهم من قال منشؤه موافقة الطالع عند الولادة فكل شخصين اتفقا فى الطالع و درجته أو كان صاحب الطالعين كوكب واحد أو يكون البرجان متفقين فى بعض الأحوال و الأنظار كالمثلثات أو ما شاكل ذلك مما عرفه المنجمون وقع بينهما التعاشق .

و منهم من قال إن العشق هو إفراط الشوق إلى الاتحاد .

و هذا القول و إن كان حسناً إلا أنه كلام مجمل يحتاج إلى تفصيل لأن هذا الاتحاد من

أى ضروب الاتحاد فإن الاتحاد قد يكون بين الجسمين و ذلك بالامتزاج و الاختلاط و ليس ذلك يتصور فى حق النفوس .

ثم لو فرض وقوع الاتصال بين بدنى العاشق و المعشوق فى حالة الغفلة و الذهول أو النوم فعلم يقيناً أن بذلك لم يحصل المقصود لأن العشق كما مر من صفات النفوس لا من صفات الأجرام بل الذى يتصور .

و يصح من معنى الاتحاد هو الذى بيناه فى مباحث العقل و المعقول من اتحاد النفس العاقلة بصورة العقل بالفعل و اتحاد النفس الحساسة بصورة المحسوس بالفعل .

فعلى هذا المعنى يصح صيرورة النفس العاشقة لشخص متحدة بصورة معشوقها و ذلك بعد تكرر المشاهدات و توارد الأنظار و شدة الفكر و الذكر فى أشكاله و شمائله حتى يصير متمثلاً صورته حاضرة متدرعة فى ذات العاشق .

و هذا مما أوضحنا سبيله و حققنا طريقه بحيث لم يبق لأحد من الأزكياء مجال الإنكار فيه .

و قد وقع فى حكايات العشاق ما يدل على ذلك كما روى أن مجنون العامرى كان فى بعض الأحيان مستغرقاً فى العشق بحيث جاءت حبيبتة و نادته يا مجنون أنا ليلى فما التفت إليها و قال لى عنك غنى بعشقتك .

فإن العشق بالحقيقة هو الصورة الحاصلة و هى المعشوقة بالذات لا الأمر الخارجى و هو ذوالصورة لا بالعرض كما أن المعلوم بالذات هو نفس الصورة العلمية لا ما خرج

عن التصور .

و إذا تبين و صح اتحاد العاقل بصورة المعقول و اتحاد الجوهر الحاس بصورة المحسوس كل ذلك عند الاستحضار الشديد و المشاهدة القوية كما سبق فقد صح اتحاد نفس العاشق بصورة معشوقه بحيث لم يفتقر بعد ذلك إلى حضور جسمه و الاستفادة من شخصه كما قال شاعر :

أنا من أهوى و من أهوى أنا نحن روحان حللنا بدنا
فإذا أبصرتني أبصرته و إذا أبصرته أبصرتنا

ثم لا يخفى أن الاتحاد بين الشئيين لا يتصور إلا كما حققنا و ذلك من خاصية الأمور الروحانية و الأحوال النفسانية و أما الأجسام و الجسمانيات فلا يمكن فيها الاتحاد بوجه بل المجاورة و الممازجة و المماسة لا غير بل التحقيق أن لا يوجد وصال في هذا العالم و لا يصل ذات إلى ذات في هذه النشأة أبدا و ذلك من جهتين :

إحدهما أن الجسم الواحد المتصل إذا حقق أمره علم أنه مشوب بالغيبة و الفقد لأن كل جزء منه مفقود عن صاحبه مفارق عنه فهذا الاتصال بين أجزائه عين الانفصال إلا أنه لما لم يدخل بين تلك الأجزاء جسم مباين و لا فضاء خال و لا حدث سطح في خلالها قيل إنها متصلة واحدة و ليست وحدتها وحدة خالصة عن الكثرة فإذا كان حال الجسم في حد ذاته كذلك من عدم الحضور و الوحدة فكيف يتحد به شيء آخر أو يقع الوصال بينه و بين شيء .

و الأخرى أنه مع قطع النظر عما ذكرنا لا يمكن الوصلة بين الجسمين إلا بنحو تلاقي

السطحين منهما و السطح خارج عن حقيقة الجسم و ذاته فإذن لا يمكن وصول شيء من المحب إلى ذات الجسم الذي للمعشوق لأن ذلك الشيء إما نفسه أو جسمه أو عرض من عوارض نفسه أو بدنه و الثالث محال لاستحالة انتقال العرض و كذا الثاني لاستحالة التداخل بين الجسمين و التلاقي بالأطراف و النهايات لا يشفى عليلًا طالب الوصال و لا يروى غليله و أما الأول فهو أيضا محال لأن نفسا من النفوس لو فرض اتصالها في ذاتها ببدن لكانت نفساً لها فيلزم حينئذ أن يصير بدن واحد ذا نفسين و هو ممتنع .

و لأجل ذلك إن العاشق إذا اتفق له ما كانت غاية متمناه و هو الدنو من معشوقه و الحضور في مجلس صحبتته معه فإذا حصل له هذا المتمنى يدعى فوق ذلك و هو تمنى الخلوة و المجالسة معه من غير حضور أحد .

فإذا سهل ذلك و خلى المجلس عن الأغيار تمنى المعانقة و التقبيل .

فإن تيسر ذلك تمنى الدخول في لحاف واحد و الإلتزام بجميع الجوارح أكثر ما ينبغي .

و مع ذلك كله الشوق بحاله و حرقة النفس كما كانت بل ازداد الشوق و الاضطراب كما قال قائلهم .

أعانتها و النفس بعد مشوقة إليها و هل بعد العناق تدانى

و أئثم فاها كي تزول حرارتي فيزداد ما ألقى من الهيجان

کأن فؤادی لیس یشفی غلیله سوی أن یری الروحان یتحدان

و السبب اللمی فی ذلك أن المحبوب فی الحقيقة لیس هو العظم و لا اللحم و لا شیء من البدن بل و لایوجد فی عالم الأجسام ما تشتاقه النفس و تهواه بل صورة روحانیة موجودة فی غیر هذا العالم^{۴۶}.

همجنس گرایی بدتر از افسانه ایمان فرعون

و شکی نیست در این که مدح آخوند مشارالیه^{۴۷} از برای عشق مجازی و مبادی و غایاتش ، اقبیح و افضح است از میلش به خوبی فرعون لعین و ایمان و نجاتش از نکال یوم الدین ، ردّاً علی الكتاب المبین و نصوص المعصومین و جمیع المسلمین ، بل و كافة الملّیین .

حیث قال فی تفسیر سورة البقرة بعد نقل استدلال محیی الدین علی ایمان فرعون و کونه من المهتدین ، ما نصّه :

و يفوح من هذا الكلام رائحة الصدق ، و قد صدر من مشکاة التحقيق ، و موضع القرب و الولاية ، انتهى کلامه زید ملامه^{۴۸} .^{۴۹}

^{۴۶} . الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة ج ۷ سفر ۳ موقف ۸ فصل ۱۹ فی ذکر عشق الظرفاء و الفتیان للأوجه الحسان ص

۱۵۶ تا ۱۶۲ .

☞ انگیزه‌ای برای ترجمه مزخرفات بالا یافت نشد ، در صورت احساس نیاز به ترجمه به کتب ذیل مراجعه بفرمایید :

خیراتیبه ج ۲ ص ۳۴۴ تا ۳۶۱ ، فضایح الصوفیه ص ۱۸۰ تا ۱۹۲

^{۴۷} . آخوندی که به او اشاره شد (یعنی ملاصدرا) .

^{۴۸} . تفسیر القرآن الکریم ج ۳ ص ۳۶۲ تا ۳۶۴ ، ایمان فرعون مقبول ، أم لا ؟

عالم و سخن فاسد؟!!

(ملاصدرا) در کتاب اسفار در بیان مراتب عشق نوشته است که تعشق و محبت اماره عشق مجازی است که فی الحقیقه تعشق به خداست نظر به قاعده المجاز قنطرة الحقیقة ...

مجملاً این که از عالم ، این گونه سخنان یعنی اظهار تعشق به امردان و آن را قنطره برای عشق خلاق عالمیان قرار دادن اعجب از اعجاب است !
بلی وحدت وجود را این گونه لوازم باطله بسیار است ...^{۵۰}

زیبا جلوه دادن فعل خبیث

ملاصدرای شیرازی تقلید نووی نموده ، بلکه نغمه در طنبور را افزوده و تجویز و تحسین معانقه و ملامسه و تقبیل و دخول و لواطه به معشوق نموده و ردّاً علی الشرع الشریف از برای این فعل خبیث سخیف فواید عظیمه حکمیه بر آن مرتب ساخته .

پس در اواخر مجلد چهارم اسفارش^{۵۱} چنین گفته :

این فصلی است در بیان عشق بازی جوانان با امردان گلرخان

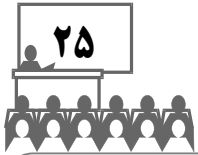
بدان که ...^{۵۲}

^{۴۹} . علامه سید محمد علی بهبهانی رحمته خیراتیه ج ۲ ص ۳۶۵ .

^{۵۰} . میرزای تنکابنی رحمته ، قصص العلماء ، در حالات ملامحسن و ملاصدرا ص ۳۳۱ و ۳۳۲ .

^{۵۱} . چاپ‌های قدیم .

^{۵۲} . علامه آقا محمد جعفر بهبهانی رحمته ، فضایح الصوفیه ص ۱۸۰ تا ۱۹۲ .



سخنی با شما

☞ در پاسخ دادن به همجنس‌گرایی این عالم فاسد ، زیاد وقت گران‌بهای خود را تلف نمی‌کنیم .

بطلان مزخرفات این ملای صوفی و فیلسوف زندیق ، به قدری واضح است که حتی مادران فرزند مرده ، از شنیدن آن ...

این سوز صدرایی با شرایط ذیل در کدام آیه و روایت آمده ؟

صبیانی ، غلمانی ، لحافتی ، حسان الوجوه ، خلوت بدون اُغیار ، معانقه ، بوسه ، التزام و چسبیدن همه بدن !!!

تُف به این چنین عرفان و فلسفه‌ای .

ملاصدرا خود و همفکران همجنس‌گرای شیطان پرست خود را مشمول آیات قرآنی عذاب قوم لوط نمی‌دانند .

او به تمامی روایات وارده از طرف امامان شیعه علیهم‌السلام در مذمت روابط شیطانی با همجنس ، دهن کجی می‌نماید .

او متشرع نیست که برای سیره متشرعه در حرام دانستن همجنس‌گرایی ، اهمیتی قائل شود و ...

و عجیب‌تر این که عده‌ای برای او سینه چاکند و او را می‌پرستند ، یا ریگی به کفش دارند یا گمراهند و یا احمق .



معنای حقیقی حکمت

👉 علامه آقا محمد علی بهبهانی :

اگر گویند که فلسفه چگونه مذموم تواند بود ؟ و حال آن که حکمت است .

و حق تعالی حکمت را در قرآن مدح کرده و گفته :

و من یؤت الحکمة فقد أوتی خیراً کثیراً

یعنی هر که حکمت به وی داده شده است پس به وی خیر بسیار داده شده است و . . .

جواب گوئیم که : حکمت لفظ عربی است و عرب را خبر از فلسفه نبود و حکمت در

فلسفه استعمال نکرده .

بلکه در کتاب کافی در باب معرفة الامام از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر

آیه اول روایت شده که گفت :

مراد از این حکمت طاعت خدا و معرفت امام علیه السلام است .

و در تفسیر علی بن ابراهیم در آیه دوم حدیثی نقل شده که مضمونش این است :

که مراد از آن حکمت معرفت امام زمان علیه السلام است و به لقمان معرفت امام زمانش داده

شده . . .

و از حدیث دیگر مستفاد می شود که حکمت ضد هوا است و هوا به معنی خواهش

نفس اماره است ، پس حکمت که ضد هوا است به معنی عقل است .

پس بنابراین حکیم کسی است که پیروی خواهش نفس ننماید ، بلکه مطیع و پیرو

عقل باشد ، و هیچ منافات میان این احادیث نیست ، پس هرگاه عقل کامل شود حکمت در دل کامل و قوی می شود ، و هوای نفس ناقص و ضعیف می گردد و هرگاه عقل ناقص شود حکمت ناقص می گردد .

و شک نیست که امام مربّی و طبیب عقل است و معالجه اش عقل و حکمت را قوی می گرداند ، پس اگر کسی امام خود را بشناسد و به معالجه اش عمل نماید و کلمات حق از وی بیاموزد و عقل و حکمتش کامل شود . . .

پس چون معرفت امام سبب قوت عقل و حکمت است بنابراین حکمتش نامیده اند . . . نه کسی که فلسفه داند و به کثرت مطالعه کتب فلسفه تحصیل قساوت نماید و هیچ کس لقمان را داخل فلاسفه نشمرده و . . . ۵۲

حکمت حقیقی ، فلسفه نیست

﴿ آیت الله محمد جواد خراسانی رحمته الله :

أن أهل الفلسفة سمّوا فلسفتهم بـ: الحكمة . . . ثمّ اولّوا و نزلوا علیها الآیات .

مثل قوله تعالى : وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ .

و قوله تعالى : وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ^ق

و كذلك من الأخبار نظائرها .

فمن ذا لاتعجبه الفلسفة بعد سماع ذلك ؟ ! . . .

فأما العامي ، فيغترّ به من غير نكير ، و أما القاصر من أهل العلم و طلبته ، فإنه أيضاً يعجبه هذا الثناء ، غير خبير و بفساد الدعوى غير بصير .

فلذلك ترى الطالب القاصر ، يسارع في ابتداء امره إلى تعليم الفلسفة ، اغتراراً بهذا الثناء و الإطراء ، فيحسبها أنها فضل كبير لا يسعه الجهل بهذا الأمر الخطير أو واجب مهم لا عذر له في التقصير ، فيتعلّم الفن من مدّعيه و معتقديه .

فيخوض فيه خوض التائه في ببداء التيه ، تقليداً بحسن ظنه بمن يعلمه و يرييه . فيرسخ في قلبه شيئاً فشيئاً حتى يتعوّد عليه أنسه و تركن إليه نفسه و . . . فيتدرّب له الإطمئنان لا يدخله ريبة ، فيتّخذ ديناً يدين به ربّه .

لكن هيهات ثم هيهات ، ليست الإطراءات و التكبيرات إلا الدعاوى و التأويلات . و يكفي في كذب الجميع و بطلانها :

أن الفلسفة التي سمّوها بالحكمة ، قد حدثت في الإسلام بعد النبي ﷺ في أثناء القرن الثاني ، و صارت إليهم من اليونان .

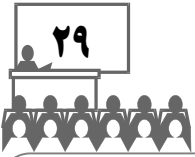
و قد قال الله تعالى :

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

. . . فقد كان من وظائف النبي ﷺ تعليم الحكمة للأمة ، فإن كان ﷺ علمهم

فالحكمة غير هذه الفلسفة الجائية من اليونان ، و إن لم يعلمهم فقد قصر في الوظيفة



و قد خلت الأمة عن الحكمة بزمان حتى من الله عليهم بأهل اليونان .
 و إذن ، لم يكن في بعث النبي ﷺ امتنان ، على أن الفهيم البصير ربّما يفهم من
 قوله تعالى :

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

انّ ما كان من قبل الإسلام بين الأنام مما لم يكن من وحى و الإلهام ، كلّه ضلال^{٥٤}.

ادامه مطلب در فلسفه ج ٤ (رساله الإنصاف)

^{٥٤} . هداية الأمة مقدمه مؤلف ص ٥ :

ج ۱. این کتاب مذکور با آنها است بلا خلاف
بیشتر کتاب الذریعه ملاحظه کنی که این کتاب
جلد حق نوشته ام که در این مطالب آن مستند به این است که در این ذریعه است

۲۵- حقیقت این است که عرفان بر معرفت است عرفان اسلمی و عرفان صوفی کبر
التامل آنچه بر کوفت، انفراد و بیخ الیغی و روایات مستور است
عرفان اسلمی محسوب می شود. هفت مؤلف: ۸۲، ۵، ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
با بدین تعزیرت عزت هرگز
و خواران نلسف و فتنه آید



بسم الله الرحمن الرحیم

ب - کتاب « الذریعه » مؤلف: فرید، ۱۳، شرح: المصطفی، ۱۴۵۷



• استفتانات آیت الله گرامی ج ۳ چاپ اول ۱۳۹۰ ناشر: دفتر نشر آیت الله گرامی .

• استفتانات آیت الله حسینی شیرازی انتشارات مؤسسه فرهنگی رسول اکرم قم .

• اسلام و اندیشه های فلسفی و عرفانی محمد حسین بروجردی ، چاپ اول تابستان ۱۳۸۲ چاپ برهان ناشر بنیاد پژوهش های علمی و فرهنگی نورالاصفیاء .

• اعتقادات دین اسلام علامه مجلسی رحمته ترجمه و شرح از سید باقر نجفی یزدی ، چاپ دوم شهریور ۱۳۶۲ ش چاپخانه سعید .

• البدعة و التحرف الشيخ أبي جعفر محمد جواد الخراساني رحمته .

• الأنوار الإلهية في المسائل العقائدية ، آیت الله تبریزی چاپ پنجم ۱۴۲۷ ق ۱۳۸۵ ش چاپخانه نینوا ، ناشر: دارالصدیقة الشهيدة عليها السلام .

• الانوار النعمانية ، سيد نعمة الله جزائري چاپ چهارم ۱۴۰۴ ق مؤسسة الاعلمی للمطبوعات بيروت .

• الحكمة المتعالیه فی الأسفار العقلية الأربعة ، صدرالدين محمد شیرازی ، المكتبة المصطفوی قم با مقدمه شيخ محمد رضا مظفر .

• الحكمة المتعالیه فی الأسفار العقلية الأربعة ، صدرالدين محمد شیرازی چاپ پنجم ۱۳۹۲ ش چاپخانه گل وردی منشورات طلعيه نور .

• الخرائج و الجرائح قطب الدين راوندى سعيد بن هبة الله ، چاپ دوم ناشر: مؤسسه النور للمطبوعات بيروت .

• الذریعه الى تصانيف الشيعة محمد محسن معروف به شيخ آغا بزرگ تهرانی چاپ اول ۱۳۶۵ ق تهران چاپخانه بانک ملی .

• العروة الوثقى سيد كاظم طباطبایي يزدی مع تعليقات عدة من الفقهاء العظام چاپ چهارم ۱۴۳۰ ق مؤسسة النشر الاسلامی .

• العروة الوثقى آیت الله سيد محمد كاظم يزدی چاپخانه اسماعيليان چاپ دوم ۱۴۱۲ ق ۱۳۷۰ ش ناشر: مؤسسه اسماعيليان .

• العروة الوثقى سيد محمد كاظم طباطبایي يزدی مع تعليقة آیت الله سيستاني چاپ دوم ۱۴۱۸ ق .

• العروة الوثقى سيد محمد كاظم طباطبایي يزدی چاپ هفتم ۱۳۸۱ ش ناشر دار التفسير .

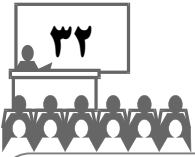
• العروة الوثقى سيد محمد كاظم طباطبایي يزدی مع التعليقات ۱۴۲۸ ق انتشارات مدرسه امام علي بن ابی طالب عليه السلام .

• العروة الوثقى سيد محمد كاظم طباطبایي يزدی مع التعليقات آیت الله فاضل چاپ اول مركز فقهي ائمه اطهار عليهم السلام .

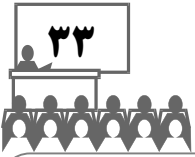
• الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية صدر الدين محمد شیرازی با حواشی حاج ملا هادی سبزواری با تعليقه و تصحيح و

مقدمة جلال آشتياني چاپ هشتم ۱۳۹۳ ش چاپ و نشر: مؤسسه بوستان کتاب .

• الميزان ج ۱ محمد حسين طباطبایي چاپ سوم ۱۳۹۳ ق ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بيروت لبنان .



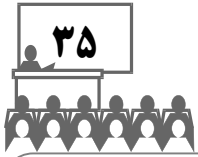
- المیزان ج ۵ محمد حسین طباطبایی چاپ سوم ۱۳۹۴ ق دارالکتب الاسلامیه .
- أمالی المرتضی ، علی بن الحسین علم الهدی چاپ ۱۹۹۸ م ناشر : دارالفکر العربی قاهره .
- اندیشه سیاسی علامه مجلسی .
- انسان و اسلام علی شریعتی شرکت سهامی انتشار .
- باده عشق اشعار امام خمینی چاپ عروج ناشر : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ سوم پاییز ۱۳۷۳ .
- بازگشت ، بررسی و تحلیل آراء علامه فیض کاشانی در رساله الإنصاف ، محمد حسین بروجردی ، چاپ اول ۱۳۸۰ ناشر : بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیاء . ضمناً مآخذ رساله الإنصاف در صفحه ۱۴ این کتاب هم آمده است .
- با مخاطب‌های آشنا علی شریعتی حسینیه ارشاد .
- برداشتهائی از سیره امام خمینی غلامعلی رجائی چاپ اول تابستان ۱۳۷۹ مؤسسه چاپ و نشر عروج .
- بررسی و نقد اندیشه شریعتی ، خیرالله مردانی چاپ اول ناشر : سپهر آذین قم .
- بحار الانوار ج ۶۰ علامه محمد باقر مجلسی چاپ سوم ۱۳۷۲ چاپخانه خورشید ناشر دارالکتب الاسلامیه .
- بحار الانوار ج ۳ علامه مولی محمد باقر مجلسی چاپ چهارم بهار ۱۳۶۲ چاپخانه حیدری ناشر دارالکتب الاسلامیه .
- بیان الفرقان علامه آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی با تعلیقات آیت الله سید جعفر سیدان چاپ اول چاپ نگارش پاییز ۱۳۸۹ انتشارات دلیل ما .
- پا به پای آفتاب ج ۳ امیر رضا ستوده چاپ اول ۱۳۷۳ نشر پنجره .
- تاریخ طبری ج ۵ ابو جعفر بن جریر الطبری با تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم بیروت دارالتراث .
- تحفة الأخیار مولی محمد طاهر قمی با تصحیح و مقدمه داود الهامی چاپ اول زمستان ۱۳۶۹ ناشر مدرسة الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام مطبوعاتی هدف چاپخانه علمیه قم .
- تصحیح اعتقادات الإمامیه للشیخ المفید محمد بن محمد بن نعمان ، چاپ ۱۴۱۴ ق ناشر : کنگره شیخ مفید ایران قم .
- تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة سلطان محمد گنابادی چاپ دوم ۱۴۰۸ ق مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت .
- تفسیر جوامع الجامع شیخ فضل بن حسن طبرسی تحقیق و نشر مؤسسه نشر اسلامی چاپ اول ۱۴۲۱ ق .
- تفسیر القرآن الکریم ج ۳ صدرالدین محمد بن ابراهیم الشیرازی چاپ دوم ۱۳۶۶ ش ناشر : بیدار ، قم .
- تنزیه المعبود فی الرد علی وحدة الوجود سید قاسم علی احمدی چاپ اول ۱۴۲۵ ق ۱۳۸۳ ش چاپخانه ثامن الحجج علیه السلام مؤسسه السيدة المعصومة علیها السلام للطباعة و النشر .
- توضیح المسائل مراجع ج ۱ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی چاپ دوازدهم پاییز ۱۳۸۴ دفتر انتشارات اسلامی .
- جامع الاسرار و منبع الانوار سید حیدر آملی چاپ اول ۱۳۶۸ ش انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و



آموزش عالی .

- جلوه حق آیت الله مکارم شیرازی مقدمه و پاورقی : داود الهامی چاپ هفتم ۱۳۹۷ انتشارات نسل جوان .
- حدیقة الشیعة علامه مقدس اردبیلی دلشاد چاپ دوم چاپخانه سعدی ناشر انتشارات گلی .
- حکمة العارفین ، مولی محمد طاهر قمی ، کتابخانه مجلس شورای ملی شماره قفسه ۴۰۱۳ (۹۵/۲ - ۳۲۸/۲)
- حیات جاودانی زندگانی آیت الله سید ابوالحسن موسوی اصفهانی ، تألیف سید جعفر موسوی اصفهانی (نوه مرحوم سید) با همکاری سید هادی میرآقایی چاپ اول ۱۳۸۵ انتشارات رستگار .
- خدمات متقابل اسلام و ایران ، مرتضی مطهری چاپ دوم اسفند ۱۳۶۰ دفتر انتشارات اسلامی .
- خیراتیة در ابطال طریقه صوفیه ، علامه آقا محمد علی بن علامه وحید بهبهانی رحمته مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی .
- درس‌هایی از نهج البلاغه منتظری چاپ دوم ۱۳۶۲ ناشر دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی .
- دیوان امام مجموعه اشعار امام خمینی ناشر : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ چهارم زمستان ۱۳۷۳ .
- رساله الاتنی عشریه فی الرد علی الصوفیة علامه حاج شیخ حر عاملی رحمته چاپ سوم ۱۴۲۳ ق ۱۳۸۱ ش چاپخانه علمیه قم ناشر : چاپخانه محلاتی .
- رساله الإنصاف ، ملامحسن فیض کاشانی :
- ۱ . کتاب ده رساله محقق بزرگ فیض کاشانی ، از انتشارات مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اصفهان چاپ : نشاط اصفهان چاپ اول بهار ۱۳۷۱ زیر نظر حجّة الاسلام حاج سید کمال الدین فقیه ایمانی صفحه ۱۸۳ تا ۱۹۹ ضمناً منابع تحقیقی رساله الإنصاف در صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲ این کتاب ذکر گردیده است .
- ۲ . مجموعه رسایل فیض (منهاج النجاة ، خلاصة الأذکار ، بشارة الشیعة ، مرآة الآخرة ، ضیاءالقلب ، رساله الإنصاف) که در یک جلد جمع آوری شده و به شماره ۱ - ۷ - ۲۷۷ - ۸۷۰۶۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم موجود است .
- ۳ . نسخه دیگری از دانشکده الهیات تهران که با کتاب دیگری به نام الکلمة الطریفة از فیض کاشانی به خط محمد مهدی در یک جلد جمع آوری شده و تاریخ کتابت آن در پایان کتاب چنین آمده است : تمت کتابته یوم السبت غرة ذی القعدة الحرام ۱۱۱۶ .
- ۴ . مجموعه رسائل خطی دفتر اول از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی ، تألیف استاد مایل هروی .
- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب علامه میرزا محمد علی مدرس چاپ دوم تبریز چاپخانه شفق .
- سرگذشت‌های ویژه حضرت امام خمینی تألیف رضا شریفات .
- سد المفرد علی القائل بالقدر ، محمد باقر علم الهدی چاپ اول ۱۳۸۷ چاپ پدیده گوتنبرگ ناشر : مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر .

- سفینه البحار ج ۵ و ۷ حاج شیخ عباس قمی چاپخانه اسوه ۱۴۱۴ ق ناشر : دارالاسوة للطباعة و النشر .
- سفینه النجاة مولی محمد طاهر قمی تصحیح تحقیق و تعلیق حسین درگاهی ، حسن طارمی چاپ اول تابستان ۱۳۷۳ انتشارات نیک معارف چاپ شفق .
- سنخیت ، عینیت یا تباین آیت الله سید جعفر سیدان مد ظلّه چاپ چهارم چاپخانه بزرگ قرآن کریم نشر : پارسیران .
- سیری در سیره نبوی ، مرتضی مطهری چاپ دوم انتشارات صدرا .
- شرح مبسوط منظومه استاد شهید مطهری چاپ ششم ۱۳۶۹ انتشارات حکمت .
- شرح نهایة الحکمة داود صمدی آملی چاپ اول ۱۳۸۶ انتشارات قائم آل محمد علیه السلام .
- صراط النجاة آیات عظام خوئی و تبریزی ج ۲ چاپ دوم ۱۴۲۶ ق ناشر : مدین .
- عارف و صوفی چه می گویند ؟ حاج میرزا جواد آقا تهرانی چاپ اول ۱۳۹۰ نشر آفاق .
- عرفان حافظ استاد مطهری چاپ بیست و یکم آذر ۸۳ ذیقعه ۱۴۲۵ ق انتشارات صدرا .
- علامه مجلسی اخباری یا اصولی ؟ علی ملکی میانجی چاپ اول بهار ۱۳۸۵ چاپ نگارش انتشارات دلیل ما .
- علی بن موسی الرضا و الفلسفة الالهية جوادى آملی ، محقق محمد حسن شفیعیان ، دار الاسراء چاپ دوم ۱۴۲۲ ق .
- غایة القصوى در ترجمه العروة الوثقی حاج شیخ عباس قمی انتشارات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية .
- غرر الحکم و درر الکلم عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی چاپ دوم ۱۴۱۰ ق ناشر : دارالکتب الإسلامی قم .
- فرهنگ عمید ، حسن عمید چاپ بیست و هشتم ۱۳۸۶ چاپخانه سپهر مؤسسه انتشارات امیر کبیر .
- فصل نامه نورالصادق علیه السلام (فلسفه و عرفان) مدیر مسئول مصطفی صافی اصفهانی .
- فصوص الحکم ابن عربی چاپ اول ۱۹۴۶ میلادی دار احیاء الکتب العربية قاهره .
- فضایح الصوفیة ، علامه آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی (آل آقا) ، چاپ ذیقعه ۱۴۱۳ ق چاپخانه فروردین انتشارات انصاریان قم .
- فلاطوری ص ۱۲۶ تا ۱۳۱ سید عباس رفیعی پور با مقدمه محمد رضا حکیمی چاپ اول ۱۳۸۳ انتشارات دلیل ما .
- فقیهی از کرانه کویر ، حیات نامه فقیه الهی و عارف صمدانی سید عبدالاعلی سبزواری ، عباس علی مشکانی چاپ اول ۱۳۹۰ ناشر : مؤسسه بوستان کتاب .
- قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند حسن حسن زاده آملی . چاپ اول ۱۳۷۰ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- قصص العلماء میرزا محمد تنکابنی چاپ دوم تابستان ۱۳۶۴ ناشر انتشارات علمیه اسلامیه .
- کتاب الطهارة آیت الله العظمی اراکی ، مؤسسه در راه حق ، قم - ایران ، ۱۴۱۳ ق .
- کلیات علوم اسلامی ، کلام عرفان ، حکمت عملی ج ۲ مرتضی مطهری ، چاپ ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ رجب ۱۴۲۶ مؤسسه چاپ



فجر انتشارات صدرا .

- گفتاری از آیت الله سید جعفر سیدان در سالگرد رحلت حضرت آیت الله مروارید .
- مجله حوزه شماره ۴۳ و ۴۴ فرازی از مصاحبه با آیت الله صافی گلپایگانی .
- مجمع البحرین شیخ فخرالدین طریحی تحقیق : سید احمد حسینی المكتبة المرضویة .
- مجمع المسائل آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی ج ۶ چاپ اول محرم ۱۴۳۷ ق تابستان ۱۳۹۴ ش چاپ ثامن الحجج ع ناشر انتشارات حضرت معصومه ع .
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۴ چاپ چهارم ۱۳۷۸ انتشارات صدرا .
- محیی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی محسن جهانگیری چاپ چهارم ۱۳۷۵ انتشارات دانشگاه تهران .
- مرآة الرشاد علامه حاج شیخ عبدالله مامقانی چاپ ششم ۱۴۲۰ چاپخانه اعتماد ناشر : مولود کعبه .
- معارف دین ج ۱ آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی چاپ نهم پاییز ۱۳۸۵ ناشر دفتر معظم له .
- معارف دین ج ۲ آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی چاپ اول پاییز ۱۳۸۵ ناشر دفتر معظم له .
- مکتب تفکیک محمد رضا حکیمی چاپ سوم ۱۳۷۷ چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- ممدالهمم در شرح فصوص الحکم حسن حسن زاده آملی چاپ سوم ۱۳۷۸ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات .
- منیة المرید فی ادب المفید و المستفید شهید ثانی با تحقیق رضا مختاری چاپ نهم ۱۴۲۵ ق ۱۳۹۲ ش مؤسسه بوستان کتاب .
- نقدی بر مثنوی آیات عظام : میرزا علی اکبر مصلایی یزدی و سید جواد مدرس یزدی چاپ اول پاییز ۱۳۷۵ چاپخانه بهمن ناشر : انتشارات انصاریان قم
- موضع تشییع در برابر تصوف در طول تاریخ حجت الاسلام داوود الهامی چاپ اول زمستان ۱۳۸۷ ش چاپ سپهر قم انتشارات مکتب اسلام .
- وسیلة النجاة سید ابوالحسن موسوی اصفهانی پاپ سوم ۱۴۱۳ ق ناشر : مؤسسة النور للمطبوعات .
- هداية الأمة إلى معارف الأئمة ، الشيخ أبي جعفر محمد جواد المحولاتي الخراساني رحمته چاپ اول ۱۴۱۶ ق چاپخانه امیر قم نشر بعثت .
- هفته نامه حریم امام ، جستاری در گذشته و امروز حوزه علمیه مشهد ، سال دوم ، شماره ۹۰ ، نهم آبان ماه ۹۲ .
- یازده رساله فارسی (فلسفی ، منطقی ، عرفانی) حسن حسن زاده آملی ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چاپ اول ۱۳۶۳ .

فهرست

۱۲	• متن عبارات ملاصدرا.....	۱	• حکمت متعالیه
۲۳	• همجنس گرایی بدتر از افسانه ایمان فرعون..	۲	• ملاصدرا.....
۲۴	• عالم و سخن فاسد؟!	۲	• حکمت متعالیه ملاصدرا.....
۲۴	• زیبا جلوه دادن فعل خبیث.....	۳	• اساس حکمت متعالیه.....
۲۵	• سخنی با شما.....	۳	• صوفی گری فلسفی.....
۲۶	• معنای حقیقی حکمت.....	۵	• مذهب ملاصدرا.....
۲۷	• حکمت حقیقی فلسفه نیست	۱۱	• ترویج همجنس بازی.....

تذکر:

این جزوه چرک نویس می باشد ، ویرایش کامل نشده است ، به جهت استفاده موقت از مدارک و منابع آن و درخواست های مکرر ، چاپ شده است .